

**فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی**  
www.shahrvand-newspaper.ir  
صاحب امتیاز: جمعیت هلال احمر  
مدیر مسئول: عبدالرسول وصال  
سر دبیر: کسری نوری

نشانی: تهران، فلکه دوم صادقیه  
انتهای بزرگراه محمدعلی جناح  
کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴  
سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۰۷  
کد پستی: ۱۴۳۷۷۸۶۱۷  
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰  
تلفن: ۴۴۹۵۶۱۰۱-۷  
چاپ: روزتاب  
توزیع: شرکت پیام رسان پیروز شرق  
تلفن امور شهرستان ها: ۰۷-۴۴۹۵۶۱۰۰  
فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰

**اوقات شرعی:**  
اذان صبح: ۵:۱۳ | طلوع آفتاب: ۶:۰۰  
اذان ظهر: ۱۳:۰۶ | غروب آفتاب: ۱۹:۳۰  
اذان مغرب: ۱۹:۵۰

شهر ونگ

فکت شیت ما و مسئولان

به دلیل تفاوت های فرهنگی ما با مردم مان است!

فکت شیت مسئولان: قصدی برای گران کردن نان نداریم.

فکت شیت مردم: خب این یعنی نان گران می شود!

فکت شیت مسئولان: مردم باید کمربندها را سفت کنند، سال سختی در پیش داریم!

فکت شیت مردم: والا این طوری که معلومه ما باید کمربندمون رو باز کنیم! ببینیم اختلاس جدید چیزی افشاندند؟!

فکت شیت مردم: بابا زیر بار تحریم ها کمربون شکست.

فکت شیت مسئولان: مردم ما از مسیر مذاکرات راضی هستند.

فکت شیت مسئولان: روزی یک وعده غذا بخورید!

فکت شیت مردم: ...!

حتی تکلیف ماندن و نماندن کی روش معلوم نشود!

فکت شیت مردم: ...!

ششیدی یه پسر می گویی اومده توی ایتالیا خواهر شو دار زده بعد پدرشو با چاقو کشته، بعد با دستاش رفته سینما!

بابا خب این معصومی نژاد از رم راست می گه دیگه، فساد و بی عاطفگی از در و دیوار شون میریزه! واقعا این جامعه میخواد به کجا برسه؟! اینها نتیجه نظام سرمایه داری غربیه، اینها نتیجه عیاشی های برلوسکونیه! اینها وضع یه کشوره که مافیا درش حاکمه! بعد شماها بگید این معصومی نژاد حرف الکی میزنه، بعد یه باهانش شوخی کنید!

الان تو فهمیدی که این حادثه در خیابان ایتالیای همین تهران اتفاق افتاده؟! کشور ایتالیایه، خیابان ایتالیایه! آهان... حالا چه فیلمی رفته؟! بلیت سینما چقدر گرون شده!



**سوشایانس شجاعی فرد**  
طنزنویس  
soshayans.fard@gmail.com

در خیرها آمده بود که در دولت پیشین بر اثر ادغام غیر کارشناسی بخش مهندسی کشاورزی در سازمان هوا فضا، این سازمان فضایی اقدام به راه اندازی خط تولید شیر خشک کرده بود! خبرنگاران هم مدام می گفتند، تولید شیر خشک چه ربطی به سازمان فضایی دارد! خب راست هم می گویند! هر گرد سفید رنگی که انسان را به فضانمی فرستند! موسی ناسا، ساقی با معرفت حوزه پارک لاله در این باره می گوید: اینها دانشون هنوز بوی شیر خشک میداد! من خودم یه پا سازمان فضایی هستم! شیر خشک بهت میدم بری فضا!

این ماجرای فکت شیت بیانه لوزان هم برای خودش داستانی شده! هر کدام از طرف های مذاکرات، برای خودشان فهرست بلند بالایی از آنچه منظورشان بوده دارند و به عنوان فکت شیت اعلام می کنند (چیزی در مایه لیست دعوت عروسی از طرف خانواده داماد و از طرف خانواده عروس!) بعد هم اظهار تعجب می کنند که چرا طرف مقابل چیز دیگری برداشت کرده است! ولی واقعیت این است که برداشت های متفاوت از یک موضوع در خون ما ایرانی هاست و ما و مسئولان سال ها است که برداشت های متفاوتی از نیازها و خواسته هایمان داریم!

فکت شیت مسئولان: مردم از ما درخواست دارند، التماس می کنند که بیایید و دختر بدحجابمان را ارشاد کنید!

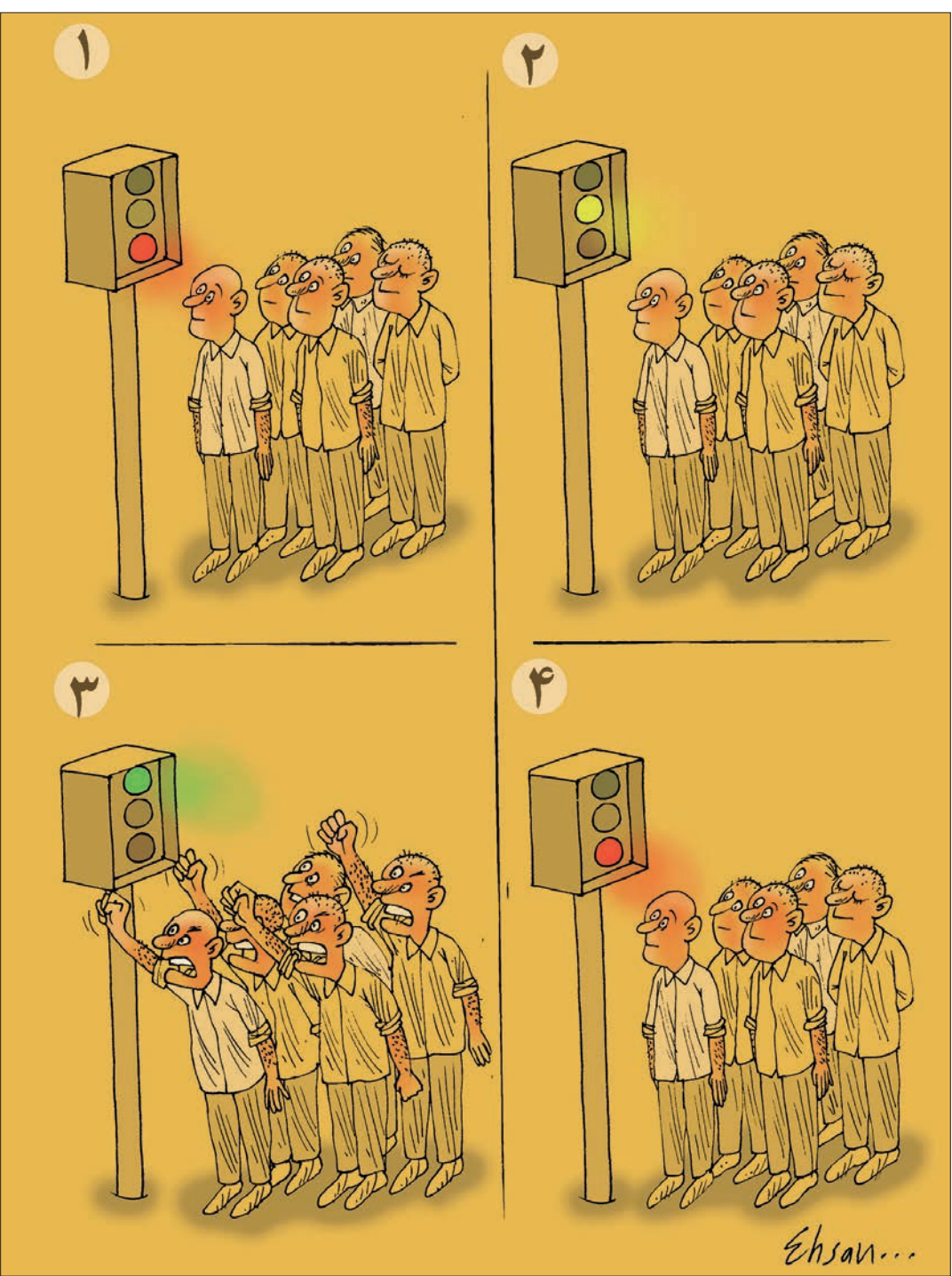
فکت شیت مردم: بابا به خدا ما زنگ زدیم ۱۱۰ گفتیم بیاید این معتادها رو جمع کنید! ول کنید هی گیر دادید به ماتنور سوری مون!

فکت شیت مردم: دیپلمات سابق توی استخر مختلط چه کار می کرده است؟

فکت شیت مسئولان: نه، اونطور می نیست! این

کار تون شهر

احسان گنجی | کارتونیسٹ | ehsanganj158@gmail.com



حرف روز

کافه یا کافی شاپ؟ مسأله این است!

بر دیار استین | مترجم

توفیق چندانی را تجربه نکرده است. البته وضعیت نسبت به ۲۰ سال قبل بسیار بهتر به نظر می رسد اما باید پذیرفت گرفت و گیرهای ذهنی اکثریت مردم که کافه ها را محلی برای بحث های آبیکی و شیه و شوکتی دانسته و همچنان لیس زدن بستنی قیفی روی نیمکت پارکها را به نوشیدن دمنوش ۴۰ گیاه در کافهها ترجیح می دهند، هنوز کاملا بر طرف نشده است. گسترش کافه های محلی به عنوان راهکاری امتحان شده - در دیگر کشورهای جهان - می تواند ضمن برپایی فضایی به به دور از جنگ طبخاتی و هیاهوی وسایل نقلیه موتوری، شهروندان خسته از دود و ترافیک و انواع و اقسام معضلات و ناپهچاری های مادی و معنوی آنباشسته در شهر تهران را، با یکی دیگر از مظاهر مدرنیته بیش از پیش آشنا کند. مردمی که حتی با توجه به اندک اعتماد ذهنی و احساسی که نسبت به این مکان دارند همچنان ترجیح می دهند لفظ عامیانه تر کافی شاپ را برایش به کار برده و «کافه» را برای کسانی بگذارند که کشور بوده اند، طی روزهای گذشته اردبیل و تلخ، پشت میز و صندلی های آن به تلاش نشستند!

نقد و گفتمان فرهنگی و سیاسی در ایران شکل گرفتند و نامشان بر سر زبان ها افتاد، جایگاه عمومی و فراگیر به معنایی که شمار زیادی از افراد جامعه را درگیر خود کردند، نداشتند. این کافه ها برای بخش محدودی از خواهی که شاید خود نیز جدا افتادگی و جدا بودن از عالم مردم را در ردیف خصوصیات باز خود می دانستند، به آمانی برای عرض اندام های سیاسی - فرهنگی تبدیل شده و خاصیت دیگری جز آنچه در دانشان نهفته بود از خود بروز ندادند. کما اینکه گویی اگر این جلسات در قهوه خانه های سنتی و حتی طبخاتی ها نیز به سرانجام می رسید باز فرقی در اصل موضوع ایجاد نمی کرد! واقعیت این است که کافه محل ملاقات است اما نه صرفا محل ملاقات سیاسی ادبی. این موضوع که کار کرد اصلی کافه در جامعه تفریحی است، تجربه و پدیده ای مختص ایران نیست و در دیگر نقاط دنیا نیز کافه نشین ها دمی آسایشین را بر هر فریضه دیگری از جرم می دانند. کوتاه سخن آنکه به نظر می رسد شهر تهران با توجه به طول و عرض و ارتفاعی که دارد، هنوز و با گذشت سالیان، در زمینه توسعه کافه و فرهنگ کافه نشینی

در خصوص کافه و مفهوم کافه نشینی در تهران امروز یادداشت ها و مقالات بسیاری قلمی شده است، اما آنچه از تمامی این مکتوبات می توان مستفاد کرد حول محور این واقعیت است که ماهیت یک باتوق شهری همچون کافه در ایران هیچگاه مصدر مناقشات متفکرانه قرار نداشته است! چارچوبی قضیه هم اظہر من الشمس است زیرا مردم همیشه و بیشتر به منظور تفریح به کافه رفته و می روند، همان طور که سینما - و حتی تئاتر - را هم به عنوان یک مکان فرهنگی برای تفریح انتخاب می کنند. به عبارت دیگر کار کرد اصلی و علت تامله بروز پدیده ای به نام کافه و کافه نشینی، هموار بر بهره گیری از یک فضای تفریحی استوار بوده هر چند که به تدریج در کنار آن گفت و گوها و بحث های اجتماعی و سیاسی هم شکل گرفته و در مقاطعی نیز گسترش یافته است. در واقع می توان تعامل متفکرانه را از کار کرد های ثانویه کافه نشینی به حساب آورد البته ممکن است این ادعا مخالفانی هم داشته باشد. سخن اینجاست که برخلاف عقیده برخی دوستانتان (روشنفکران!) حتی کافه هایی که در برهه های تاریخی با فضای

۲۹	اراک	۲۹	اربدیل	۱۹	ارومیه	۲۰	اصفهان	۳۳	بندرعباس
۲۹	بوشهر	۲۲	بیرجند	۱۹	تبریز	۲۸	تهران	۲۶	سنندج
۲۲	اصفهان	۲۲	اصفهان	۲۲	اصفهان	۲۲	اصفهان	۲۲	اصفهان

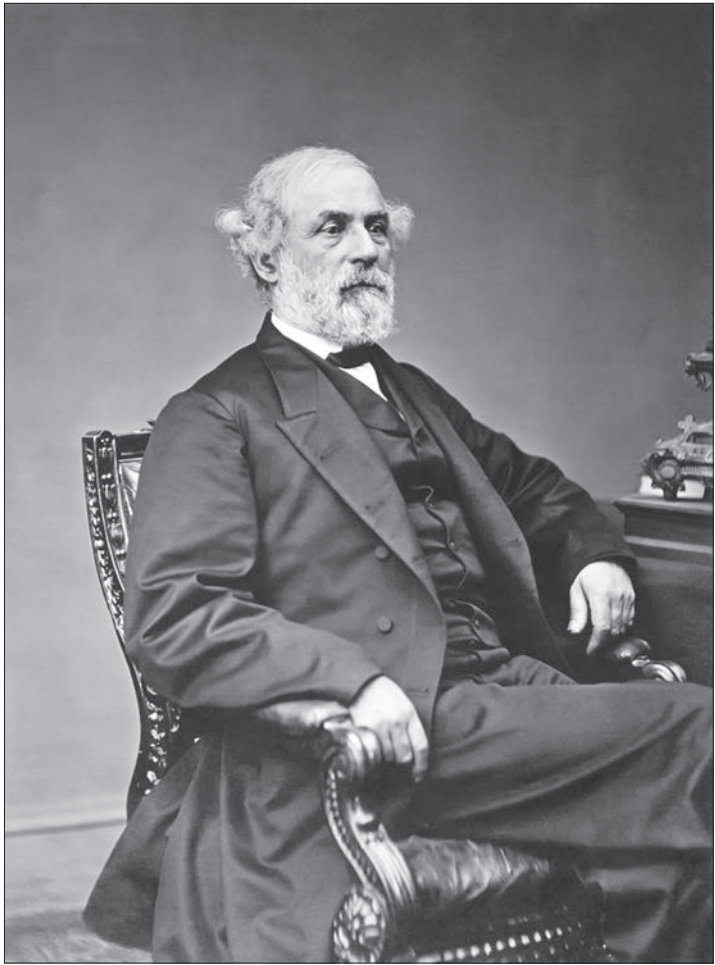
۱۴	شهرکرد	۲۱	قزوین	۱۹	کرمانشاه	۲۲	کرمان	۱۴	رشت
۲۵	شیراز	۲۳	سبزگان	۱۸	همدان	۲۵	قم	۲۶	یزد
۲۵	شیراز	۲۳	سبزگان	۱۸	همدان	۲۵	قم	۲۶	یزد

داستانه

وجود خدا

باعتبار گفت: «چرا این حرف را می زنی؟ من انجام و همین الان مشغول مرتب کردن موهایی تو هستم» مستثنی، مرد ژولیدهای که با موهایی بلند و کثیف در آن سوی خیابان برای خود قدم می زد را از پشت شیشه پنجره بزرگ آرایشگاه نشان داد و با اعتراض گفت: «پس چرا کسانی مثل آن مرد وجود دارند؟» آرایشگر گفت: «آرایشگرها وجود دارند، فقط مردم به ما مراجعه نمی کنند.» مشتری گفت: «حقاقتاً همین است. خدا هم وجود دارد، فقط مردم به او مراجعه نمی کنند!»

فو کوس ...



ژنرال رابرت لی، ۳۴ سال بعد از تسلیم (۱۸۶۹) [۱۵۲ سال پیش، برابر با ۱۸۶۵ میلادی، باتسلیم ژنرال رابرت لی، فرمانده نیروهای کنفدراسیون آمریکا (جنوبی ها) و نیروهای به نیر و هوای فدراسیون (شمالی ها) تحت فرماندهی ژنرال گران، جنگ پرتلاطم داخلی آمریکا به پایان رسید. ژنرال لی، پیش از ظهر ۹ آوریل طی یادداشتی تصمیم خود مبنی بر تسلیم را به اطلاع ژنرال گران فرستاد. فرمانده نیروهای فدراسیون (ایالت های وفادار به دولت واشنگتن) رساند و ۳۳ ساعت بعد با آتودان خود در ساختمان دادگاه شهرک ایما تکس حاضر شد. ژنرال لی نامه تسلیم خود را نوشت، امضا کرد و به ژنرال گران داد و به این ترتیب جنگ داخلی ۴ ساله آمریکا که ضمن آن ۱۸ هزار نظامی (۲۵۸ هزار جنونی و ۳۶ هزار شمالی) کشته شده و ویرانی وسیع و تلفات غیرنظامی بی شمار به بار آورده بود پایان یافت. ژنرال گران آن را «تذکره بعد از جنگ آمریکا» نامید. پس از دریافت تسلیم نامه، لی، اجازه داد او همه را با افسران، افراد اسبها و سلاح های سنگین خود به همراه می خواهد برد. ژنرال لی مدت بعد رئیس دانشگاه شد و بعد از مرگش نام او در بسیاری از شهرها بر تالارها و خیابان ها و بزرگراه ها گذاشته شد.

این شرح بی نهایت ...

در شکیبایی آمی همین بس که کمتر شکایت کند.  
امام علی (ع)

**هم آوازن**

می گذارد خون گرم نشتر فساد را می کند از آب عریان، دشنه فولاد را سرواز قمری به سر صدمشت خاکسترفشانند تا به سنبل راه دادی شانه شمشاد را این گل روی عرفانکی که من دیدم از او دسته گل می کند آینه فولاد را چرخ را آرمگاه عاقبت پنداشتم آشیان کردم تصور، خانه صیاد را گرچه بی رحمت اما بی صبر نیست حسن نعل گلگون می نماید تیشه فرهاد را باز صائب عندهلیبان را به شور آوردهای بر هم آوازن خود همسند این بیداد را صائب تبریزی

تقوم تاریخ

**خرید آلاسکا تزار روسیه**

۱۴۸ سال پیش، برابر با نهم آوریل ۱۸۶۷ میلادی، قرارداد خرید آلاسکا از روسیه به تصویب سنای آمریکا رسید و قطعی شد. طبق این قرارداد، آلاسکا به مهاجرنشین روسیه در قاره آمریکا به ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار دلار خریداری شد (هر هکتار ۲ سنت). آلاسکا که کانادا آن را از خاک اصلی ایالات متحده جدا کرده علاوه بر منابع زیر زمینی از جمله نفت و گازهای توریستی و صنعت ماهیگیری، دارای اهمیت استراتژیک ویژه است و ایالات متحده را در همسایگی روسیه و چین و نزدیک به ژاپن قرار داده است.

**دستگیری پزشک احمدی**

۷۲ سال پیش، برابر با بیستم فروردین ۱۳۲۱ خورشیدی، احمدی، معروف به پزشک احمدی، از شخصیت های بحث انگیز دوره پهلوی اول که پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ از ایران فرار کرده بود، در عراق دستگیر و به تهران مسترد شد. اتهام پزشک احمدی قتل تنی چند از زندانیان سیاسی، مخالف حکومت با تزریق آمپول هوا بود. دادگاه دیوانعالی جنایی، در ۳۰ بهمن ۱۳۲۲ پزشک احمدی را قاتل عمدی «فرخی بزدی» و «سردار اسعد» شناخت و به اعدام محکوم کرد. این حکم در مورد نامبرده اجرا شد و پیکر او در میدان توپخانه بر بالای دار رفت.

**قطع رابطه ایران و آمریکا**

۳۴ سال پیش، برابر با بیستم فروردین ۱۳۵۹ خورشیدی، جیمی کارتر، رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا طی دستوری قطع روابط سیاسی و بازرگانی با جمهوری اسلامی ایران را اعلام کرد. این دستور که ۵ ماه پس از تسخیر سفارت آمریکا در تهران توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام صادر شد، عکس العمل جدید دولت آن کشور در برابر ایران اقدام دانشجویان بود. به جز سرکنسولگری ایران که در واشنگتن واقع بود، ایران ۴ کنسولگری دیگر نیز در شهرهای شیکاگو، هیوستون، نیویورک و سانفرانسیسکو داشت که همگی آنها تعطیل و موم شدند.